

افشین زرگر^۱

به لحاظ سوابق تاریخی سیاستها، اقدامات و رفتارهای روس‌ها نسبت به ایران، روسیه در ذهن و ادراک ایرانی تصویر خوبی ندارد. ذهنیت منفی هویت ایرانی نسبت به روسیه همواره مانعی جدی در تعاملات ایران و روسیه است و به طور جدی مانع از اعتماد زیاد ایران به روسیه می‌گردد. اگر در دوره پس از شوروی به تدریج روابط ایران با روسیه گسترش یافته، بیشتر به لحاظ این بوده است که ایران مسائل و مشکلات جدی با غرب داشته و تحت تأثیر فشارها و مقدمات ناشی از این امر بالا جبار به روسیه گرایش پیدا کرده است. البته روسیه نیز از گسترش روابط با ایران استقبال کرده است زیرا نزدیکی با ایران برای روسیه می‌توانست منافع بیشماری داشته باشد. روسیه از فرصت استفاده نموده و بجای غرب تلاش نموده تأمین کننده بزرگ نیازهای ایران گردد و بتواند از ایران در راستای اهداف منطقه‌ای (ایجاد نوعی توازن منطقه‌ای با محوریت خود و قرار دادن ایران در کنار خود در مقابل نفوذ ایالات متحده و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز و نیز استفاده از توان و نفوذ ایران در جهت حل و فصل منازعات منطقه‌ای و ایجاد صلح و ثبات روسی در منطقه) و فرا منطقه‌ای (استفاده از برگ ایران در چانه‌زنی با ایالات متحده) سود برد.

در تعاملات بین‌المللی عوامل ذهنی، روانی و فرهنگی نقش مهمی را ایفا می‌نمایند بگونه‌ای که به سطح، نوع و ماهیت روابط شکل داده و تا میزان زیادی به الگوهای دشمنی و دوستی شکل می‌دهند. البته این بدان معنا نیست که سایر عوامل مانند منافع ملی، شرایط زمانی و جغرافیایی، عامل ساختار و ماهیت نظام بین‌الملل و ... تأثیرگذار نباشد بلکه آمیزه‌ای از این عوامل به الگوهای تعاملات شکل می‌دهند. در این نوشتار با عنایت به تأثیرگذاری عوامل متعدد سعی خواهد شد تا از دریاچه عوامل نوع اول به موضوع روابط ایران و فدراسیون روسیه نگرسته شود. در بیش از یک دهه اخیر به رغم گسترش تدریجی روابط ایران و روسیه و رشد همکاری‌های دو کشور در برخی حوزه‌ها مانند حل و فصل منازعات منطقه‌ای و داد و ستد های نظامی، سطح

۱. آقای افشین زرگر دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل است.

تعاملات دو کشور هیچگاه به نوعی اتحاد و ائتلاف عمیق و پایدار نینجامیده است و در واقع یا به لحاظ عدم ضرورت در ایجاد نوعی اتحاد استراتژیک بین دو کشور و یا بدلیل وجود برخی موانع جدی این امر ممکن نگردیده است.

با توجه به وضعیت حاکم بر نظام بین‌الملل که از آغاز دهه ۱۹۹۰ بتدریج ایالات متحده هژمونی خود را در جهان گسترش داده و در واقع قدرت مادی و فکری خود را به شدت و بطور ملموس تری، جهانی نموده و نقش سایر بازیگران ملی (مانند روسیه) و فرا ملی (مانند سازمان ملل متحد) را به چالش کشیده است و در مناطق حساس جهان نظیر خاورمیانه و بویژه در بخش بسیار استراتژیک آن یعنی خلیج فارس حضور چشمگیرتر و گسترده تری یافته و بطور ملموس تر و شدیدتری بازیگران منطقه‌ای (نظیر ایران) را تهدید نموده است، بنظر ایده ایجاد نوعی اتحاد و ائتلافها در گونه‌های مختلف مابین برخی کشورهای نیرومند و بزرگ (مانند چین، روسیه، هندوستان و ...) و دولت‌های متوسط و کوچک نیرومندتر شده است. در مورد ایران نیز باید گفت که با توجه به وضعیت حاکم بر نظام بین‌الملل که تهدید ایالات متحده برای برخی از دولت‌ها بویژه در خاورمیانه جدی تر از گذشته شده و با توجه به خصومت مابین دولت ایران و دولت ایالات متحده ایده ضرورت اتحاد ایران با برخی از قدرتهای بزرگ مانند روسیه و چین در تئوری در نزد عده‌ای مورد نظر است. البته اگرچه با توجه به وضعیت حاکم بر نظام بین‌الملل و الگوی تعاملات ایران و ایالات متحده برخی از ضرورت گسترش همکاری‌های استراتژیک ایران با روسیه دفاع می‌کنند ولی باید از این عوامل نیز غافل نباشیم که روسیه خود اسیر مسائل و مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بی شماری است که اعتماد به اتحاد با آن کشور را برای هر کشوری سست می‌نماید و اصلاً دولت ایران برای حل مسائل و مشکلات خود پیش از آن که به فکر اتحاد و ائتلاف با سایر قدرتهای بزرگ مانند روسیه بیافتد، می‌تواند راههای بهتری را امتحان نماید از جمله تلاش برای حل مسائل سیاسی خود با اروپا و حتی در گامی فراتر بهبود روابط با ایالات متحده امریکا بعنوان نیرومندترین بازیگر کنونی عرصه بین‌الملل که از این طریق بسیاری از نگرانی‌های دولت ایران نیز حل خواهد شد.

حال اگر از ضرورت گسترش همکاری‌های ایران با روسیه در جهت ایجاد الگوی اتحاد بین دو کشور در راستای تأمین بهتر منافع ملی و کاستن از تهدیدات ملی بگذریم (که بنظر نویسنده این مقاله، نسبت به سایر راهکارها در اولویت نبوده و در واقع نمی‌تواند با توجه به شرایط حاکم بر روسیه و تعاملات ایران با نظام بین‌الملل مفید واقع گردد)، موانع بزرگی نیز در راستای چنین امری وجود دارند که مانع از برقراری اتحاد و ائتلاف استراتژیک ایران با روسیه می‌گردد. حال با توجه به وضعیت تشریح شده فوق این سوال مد نظر این مقاله است که «موانع اصلی گسترش همکاری‌های ایران با روسیه کدامند و چرا ایران نمی‌تواند به روسیه به عنوان شریک و متحدی استراتژیک اعتماد نماید؟»

با عنایت به عوامل مختلف، پاسخ فرضی به سؤال فوق این است که «ذهنیت و تصورات منفی ایرانیان نسبت به روسیه که ریشه‌های تاریخی دارد مانع اصلی گسترش همکاری‌های ایران با روسیه بوده و اقدامات منفی روس‌ها نسبت به ایران چنان در ذهنیت ایرانیان حک شده که مانع از اعتماد ایران به روسیه بعنوان شریک و متحدی استراتژیک می‌گردد.»

با اصل قرار دادن عوامل ذهنی، ادراکی و تصویری ایرانیان نسبت به روس‌ها که در فرهنگ سیاسی ایرانی ریشه دوانده و نگاه ایرانیان به قدرت شمالی را تیره ساخته و بدین گونه به بخشی از هویت ایرانی شکل داده است، امکان گسترش همکاری‌های ایران و روسیه در راستای یک اتحاد استراتژیک را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

گفتار اول: چارچوب نظری

الگو، سطح و ماهیت تعاملات در بین بازیگران مختلف بین‌المللی متنوع است. بر این اساس در یک دسته‌بندی کلی می‌توان دو الگوی تعاملات را از یکدیگر باز شناخت؛ یعنی الگوی دوستی و دشمنی. در سطوح مختلف تعاملات و کنشها و بین بازیگران مختلف حیات بشری از خردترین واحد یعنی فرد گرفته تا بزرگترین و مسلط‌ترین واحد یعنی دولت الگوهای دوستی و دشمنی در همه برهه‌ها و از آغاز بشریت وجود داشته و اصلاً این تمایز گذاری منشاء اصلی هویت یابی ملل مختلف نیز بوده است. وقتی در زبان محاوره یا زبان آکادمیک گفته می‌شود روابط دو

کشور دوستانه، حسنه، تفاهم‌آمیز و یا سرد، خصمانه و تیره‌است در واقع و در اصل این دو الگوی کلان تعاملات مد نظر است. اگر بخواهیم بر اساس اینگونه شناسی کلان، نوع والگوی تعاملات ایران و فدراسیون روسیه را در بیش از یک دهه اخیر مشخص سازیم، بر اساس جو حاکم بر مناسبات دو کشور و حجم مبادلات سیاسی، اقتصادی و نظامی بین دو کشور و نیز میزان اشتراک و افتراق دیدگاههای آنها در مورد مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی و در یک کلام میزان تعارض و تقارن منافع آنها باید گفت که نوعی جو دوستانه و تفاهم‌آمیز بر مناسبات بین دو کشور سایه افکنده‌است. ولی برای مشخص ساختن سطح دقیق و روند و جهت تعاملات دو کشور در قالب روابط دوستانه نیازمند گونه شناسی دیگری هستیم. اگر از تقسیم بندی کلان و بنیادی فوق‌الذکر بگذریم «در متون روابط بین‌الملل، ماهیت و سطح روابط میان ملتها با شاخصهای مختلفی مورد سنجش قرار می‌گیرد. این شاخصها به ترتیب عبارتند از: هماهنگی، همکاری، ائتلاف، اتحاد، و همگرایی. از هماهنگی تا همگرایی، درجه قابل توجهی از یکسان‌سازی و یگانگی وجود دارد که طی زمان و با هماهنگی ساختارهای مختلف سیاسی - اجتماعی به دست می‌آید.»^(۱)

هر دولتی برای ممکن ساختن هرچه بهتر و مطلوبتر منافع ملی و تأمین امنیت ملی نیازمند برقراری و بسط روابط با سایر دولتها است که در این راه در صورت نیاز حتی به ائتلاف اقتصادی یا یک گام پیشتر و در شکل گسترده‌تر به اتحاد نظامی و استراتژیک هم خواهد اندیشید. همانگونه که هالستی نیز اذعان می‌دارد: «حکومتهایی که در صدد ایجاد ائتلافهای دیپلماتیک و اتحادهای نظامی دائمی هستند فرضشان این است که با تجهیز توانایی‌های خود نمی‌توانند به هدفهایشان نایل آیند، از منافعشان دفاع کنند یا جلوی تهدیدات تصویری را بگیرند. از این رو به دولتهای دیگری که با مسائل خارجی مشابه رویارو هستند یا در همان هدفها سهیمند، تکیه کرده و به آنها تعهداتی می‌سپارند.»^(۲) هر دولتی در راه بسط روابط و آغاز همکاری‌ها به کشور یا کشورهایی بیشتر سوق پیدا می‌کند که از نظر فرهنگی / فکری / هویتی، سیاسی و اقتصادی با آنها سنخیت بیشتری داشته باشد. سنخیت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و از همه مهمتر هماهنگی در زمینه منافع ملی سر آغاز بسط روابط و حرکت به سوی گسترش

همکاری‌ها خواهد بود. اگر چه ممکن است کشوری بواسطه برخی فشارها، مقدمات و نیازهای جدی‌اش در راستای تأمین منافع حیاتی خود مجبور به همکاری یا اتحاد با دولت یا دولت‌هایی گردد که تعارضات فکری، و فرهنگی شدیدی نیز با آنها دارد (بطور مثال همکاری و اتحاد نظامی/ استراتژیک اتحاد شوروی با ایالات متحده طی جنگ جهانی دوم) ولی بدون شک این جهت‌گیری‌ها معمولاً موقتی و مقطعی بوده و به یک اتحاد عمیق و گسترده و پایانی انجامد و یا به یک معنا بیشتر قالب همکاری به خود می‌گیرد تا اتحاد. در واقع اگر چه ممکن است در شرایط بسیار حاد و تحت تأثیر مقدمات منافع ملی و امنیت ملی و فشارهای وارده از سوی ساختار بین‌المللی نوعی اتحاد مقطعی مابین دو یا چند کشور نامتجانس بویژه از نظر فرهنگی/ هویتی شکل یابد ولی ذهنیت‌ها، تصورات و ادراکات منفی و متعارض این متحدان به یکدیگر همواره چنین اتحادی را شکننده و سست می‌نماید.

در تمام مناسبات بین‌المللی، عدم سنخیت فرهنگی/ فکری و روانی مانعی بزرگ در راستای بسط و گسترش تعاملات و همکاری‌های بین‌المللی قلمداد می‌گردد و بالعکس سنخیت فکری فرهنگی موجب تفاهم و درک بهتر می‌گردد. این وضعیت را مارسل مرل در سخنرانی خود با عنوان «گفتگوی فرهنگها» به طرز بسیار خوبی نشان می‌دهد: «فرهنگ اروپا رشته پیوند اروپاییان است. حتی یک کمونیست و یک ضد کمونیست اروپایی بهتر از یک کمونیست اروپایی و یک کمونیست آسیایی یکدیگر را درک می‌کنند.»^(۳) پس باید در نظر داشت دو نکته بحث را دنبال می‌نمائیم که:

- کشورها برای تأمین بهتر منافع ملی و نیازهای خود مجبور به همکاری و حتی ورود به ائتلاف و اتحاد با سایر دولت‌ها می‌شوند.

- سنخیت فرهنگی/ هویتی و فکری عامل مهمی در گسترش روابط و همکاری‌ها و درجه پایداری و عمق اتحادها است. مللی که از نظر فرهنگی/ هویتی و فکری سنخیت و سازگاری بیشتری با یکدیگر دارند بهتر بایکدیگر همکاری کرده و همدیگر را درک می‌کنند و این عامل مهمی در شکل یافتن اتحادهای عمیق و پایا است.

حال با این اوصاف، قبل از ورود به سایر مباحث باید ابتدا به این دو سؤال پاسخ داده شود

که ۱. آیا در شرایط حاکم بر عرصه بین‌الملل، ایران نیازمند ائتلاف و اتحاد با سایر دول است؟ و
 ۲. تعاملات ایران با روسیه در بیش از یک دهه اخیر در چه سطحی قرار داشته و روند تعاملات به
 چه سویی سوق پیدا کرده است؟

هر کشوری در عرصه بین‌الملل نیازمند تعامل و همکاری در سطوح مختلف با سایر دول است. در واقع در عصر وابستگی متقابل پیچیده تمام کشورها به یکدیگر البته به درجات و اشکال مختلف نیازمند بوده و برای بر طرف ساختن احتیاجات خود نیاز به همکاری با سایر دول دارند. اگرچه این (همکاری بین‌المللی) امری عادی در جهان کنونی قلمداد می‌گردد؛ ولی این وضعیت درباره اتحاد و ائتلاف صدق نمی‌کند. در واقع، همانگونه که از تعریف هالستی نیز بر می‌آید کشورهایی به فکر اتحاد با سایر دول می‌افتند که از دستیابی به اهداف حیاتی، خود را ناتوان دیده و تهدیدات واقعی یا تصویری را احساس نمایند که فراتر از توان دفاع و مدیریت آنهاست.

وضعیت حاکم بر صحنه بین‌الملل در دوره پس از جنگ سرد چنین نیازی را بتدریج در ایران نیرومند ساخته است. همانگونه که ادموند هرزیگ نیز بیان می‌دارد: «پایان جنگ سرد موقعیت ایالات متحده را تقویت کرد و محدودیت‌های سابق را نیز از بین برد. این امر به خودی خود تهدیدی جدی برای جمهوری اسلامی محسوب می‌شد.»^(۴) وقایع پس از یازده سپتامبر و اقدامات متعاقب آن توسط ایالات متحده در منطقه خاورمیانه و در دو سوی جغرافیایی ایران یعنی افغانستان (در شرق) و عراق (در غرب)، تهدید ایالات متحده را خواه تصویری باشد یا واقعی برای ایران جدی‌تر و نگران‌کننده‌تر ساخته است. حال آیا ایران می‌تواند خود به تنهایی بر معضلات پیش آمده غلبه نماید و تهدیدات متوجه خود را بر طرف سازد؟ بدون شک آگاهی از عدم توانایی در این کار و یا در نگاهی بسیار خوشبینانه‌تر تردید در این زمینه ایران را واداشته است که به همکاری در سطوح مختلف با سایر قدرتها نظیر روسیه، چین و اتحادیه اروپا نگاهی ویژه بیافکند. اختلافات سیاسی مابین ایران و اتحادیه اروپا و تلاش اتحادیه اروپا برای هماهنگ نمودن کنشهای خود با ایالات متحده نسبت به ایران و بروز برخی پیچشهای جدی در روابط بین ایران و اتحادیه اروپا و از سوی دیگر عدم آمادگی چین در بر عهده گرفتن نقش بزرگ در سطح جهانی و عدم نگاه جدی به مسائل دور از خود بویژه خاورمیانه سبب شده که بالاچار ایران

روسیه را در کانون توجه خود قرار دهد، روسیه‌ای که اعتماد به او بسیار تردید برانگیز است. حال برای پاسخ به سؤال دومی که در بالا بدان اشاره رفت کارمان سهل تر می‌گردد. البته از آنجا که در گفتار سوم به روابط و همکاری‌های ایران در بیش از یک دهه اخیر بطور جامع خواهیم پرداخت فقط در اینجا در مورد سطح روابط بین دو کشور مواردی را ذکر می‌کنیم. بر اساس وضعیت حاکم بر عرصه بین‌الملل که فشارهای جدی را بر هر دو کشور ایران و روسیه وارد می‌کند و با توجه به نیازهای نظامی، روانی ایران برای ایفای نقشی مهم حداقل در سطح منطقه‌ای و رفع تهدیدات ملی و از سوی دیگر فشارهای اقتصادی وارده بر روسیه و نیز تلاش این کشور برای حفظ حداقل جایگاه و نقش بین‌المللی خود، ایران و روسیه در مسیر گسترش همکاری‌ها در سطوح مختلف بویژه نظامی / استراتژیک حرکت نموده اند ولی این تعاملات در شکل همکاری و در قالب روابط حسنه مانده است و بنظر یک نیروی نامرئی مانع از نزدیکی بسیار زیاد ایران به روسیه و اعتماد گسترده ایران به آن کشور می‌شود. این نیروی نامرئی را من در ذهنیت تاریخی و تصورات ایرانیان و در یک معنا هویت ایرانی نسبت به روس‌ها مشاهده می‌کنم و از آنجا که سیاست خارجی هر کشوری در واقع بازتاب هویت، فرهنگ و در یک کلام روح یک ملت است، در این باره نیز در سیاست خارجی ایران نسبت به روسیه این وضعیت را می‌توان مشاهده نمود، یعنی بواسطه ذهنیت تاریخی، احتیاط شدید در زمینه اعتماد به روس‌ها. این ایده را با رجوع به ادراکات، تصورات و نگرش‌های ایرانیان نسبت به روس‌ها که برانگیخته از تاریخ تعاملات دو ملت است مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

گفتار دوم: روس‌ها و ایرانیان

هر ملتی تحت تأثیر سوابق تاریخی خود که شامل شکست‌ها و پیروزی‌ها، مصائب و کامیابی‌ها می‌شود دارای یک ذهنیت تاریخی است. این ذهنیت شکل گرفته در هر ملتی به نوع نگرش آنها نسبت به دیگر ملتها شکل می‌دهد و بدین‌گونه بر نوع و سطح تعاملات آن با دیگران تأثیر می‌گذارد. اگر ایرانیان نسبت به اعراب (و نیز بطور متقابل) همواره نوعی نگرش منفی دارند این به لحاظ ذهنیت تاریخی ایرانی است که تحت تأثیر وقایع تاریخی و اقدامات اعراب در ایران

بوده است. واگر ایرانیان نسبت به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در مجموع نگرش مثبت و علایق ویژه‌ای دارند این بدین لحاظ است که در ذهنیت تاریخی ایرانی، این ملت‌ها برای قرن‌ها در حوزه تمدن ایرانی قرار داشته و خاطرات و پیوندهای تاریخی و فرهنگی مشترکی با آنها دارند. بدین گونه می‌بینیم که ذهنیت تاریخی هر ملتی می‌تواند تحت تأثیر سوابق تاریخی نسبت به ملل دیگر مثبت یا منفی باشد و از این منظر به هویت خود شکل دهد. از منظر اول هویت ایرانی در مقابل و تعارض با هویت عربی قرار می‌گیرد و بدین گونه همواره نوعی الگوی ستیزشی در تعاملات دو طرف ایجاد می‌کند در مقابل از منظر دوم هویت ایرانی با هویت ملل آسیای مرکزی و قفقاز سازگار است و حتی از جنبه‌ای می‌توان گفت هویت ایرانی تحت تأثیر همان ذهنیت تاریخی، هویت خود را بر آن ملل نیز شمولیت می‌دهد.

در مورد ذهنیت تاریخی ایرانی نسبت به روس‌ها که موضوع این نوشتار نیز می‌باشد باید گفت که بدلیل غلبه خاطرات منفی (بر مثبت) ایرانیان نسبت به روس‌ها و اقداماتشان در ایران همواره نوعی بدبینی، بی‌اعتمادی و ترس و نفرت در میان ایرانیان وجود دارد. در واقع باید گفت که «در چشم ایرانیان روسیه کشوری است که همواره در طول تاریخ چشم طمع به خاک ایران داشته و در هر فرصتی که بدست آورده به سرزمینهای ایران تجاوز کرده است. در چشم ایرانیان روس‌ها در کنار انگلیسی‌ها از اصلی‌ترین عوامل توسعه نیافتگی و عقب ماندگی کشور به شمار می‌آیند.»^(۵) گراهام فولر نیز این نگرش منفی ایرانی نسبت به روس‌ها را مورد تأکید قرار داده و می‌نویسد: «... نفوذ روسیه و مداخله همیشگی این کشور در امور داخلی ایران در دوران‌های تزاری، در روان ایرانیان به روشنی حک شده است، در دوران معاصر فقط بریتانیای کبیر است که همراه با روسیه بزرگترین کنترل استعماری را بر ایران اعمال کرده است.»^(۶) وی همچنین به نقل از کتاب حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه می‌نویسد: «و اما روس‌ها اروپائی نیستند - آنها از سگهای اروپا هم کمترند. بعد از آن زنداقه روس منحوس است که ملتی نجس‌العین و عین نجاستند... دشمن حقیقی ما این است.»^(۷)

سیاستها و اقدامات قدرتهای بزرگ در ایران بر فرهنگ سیاسی ایرانی تأثیر شدیدی گذاشته و عنصر قوی بیگانه ترسی را در آن نیرومند ساخته و نگرش شدید منفی را به درجات

مختلف نسبت به قدرتهای بزرگ رشد داده است. آدموند هرزیک در این باره چنین می‌گوید: «از قرن نوزدهم به این سو، رقابت یا همکاری قدرتهای بزرگ تأثیر عمیقی بر تاریخ ایران گذارده؛ و نه تنها چارچوب سیاست خارجی این کشور را شکل داده، بلکه تحولات اقتصادی و سیاسی آن را نیز رقم زد ... مردم ایران معتقدند که سیاست قدرتهای بزرگ تعیین کننده تاریخ معاصر ایران بوده است. بازی های تلخ و مرموز روسیه، بریتانیا، و ایالات متحده منشاء کلیه مشکلات ایران قلمداد می‌شود.»^(۸) بدون شک ذهنیت ایرانی تحت تأثیر اقدامات روس‌ها در ایران نسبت به آنها منفی و تیره می‌باشد و واقعیتی غیر قابل انکار است. برای روشن شدن بحث باگریزی که بر تاریخ تعاملات مشترک دو کشور می‌زینم علل شکل گیری چنین ادراکات و نگرشهای منفی را باز بینی می‌نمائیم.

طی دو، سه سده اخیر روس‌ها در ایران و حوزه تمدن ایرانی (آسیای مرکزی و قفقاز) اقداماتی را انجام داده اند که روح و روان ایرانی را آزرده است. از همان آغاز قدرت گیری روس‌ها، ایران و حوزه های تمدن ایرانی برای آنها جذاب جلوه کرده و لذا بتدریج دست اندازی های آنها را سبب گردید.^(۹) اهداف روس‌ها طی چندین قرن نسبت به ایران را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

۱- تصرف سرزمین تا هر کجا که ممکن باشد

۲- جلوگیری از نفوذ کشورهای مخالف روسیه در سرزمین ایران

۳- کسب سیطره بر سیاستهای داخلی و خارجی ایران به منظور به حد اقل رساندن نفوذ دولتهای خارجی در ایران و کسب حد اکثر منافع اقتصادی و سیاسی در ایران^(۱۰) از قرن هفدهم بارشد تدریجی قدرت روسیه از یک سو و ضعف و افول تدریجی قدرت ایران، این اهداف به مرور زمان عملی تر می‌گردید. جذابیت قلمروهای جنوبی و بویژه دسترسی به خلیج فارس و آبهای گرم بین‌المللی روس‌ها را به گسترش طلبی به سوی جنوب وا می‌داشت.

روی کار آمدن خاندان رومانوف در روسیه که باعث تمرکز بیشتر قدرت در روسیه شد همزمان است با حمله محمود افغان به اصفهان و تضعیف شدید حکومت مرکزی ایران. درست در همین زمان روس‌ها از وضعیت آشفته ایران سوء استفاده نموده و به گسترش طلبی ارضی روی

نهادند؛ چنانکه در زمان پطر کبیر نواحی مهمی از خاک ایران در شمال کشور از جمله گیلان و مازندران را به اشغال خود در می‌آوردند.^(۱۱) روس‌ها طی دو، سه سده قسمتهای زیادی از خاک ایران را تصرف کرده و برای همیشه از خاک ایران جدا کردند. گسترش طلبی روس‌ها و اقدامات آنها در زمینه تصرف خاک ایران و اعمال سلطه بر سرزمینهای واقع در حوزه تمدن ایرانی بسیار گسترده و البته برای ایرانیان بسیار دردناک بوده است. بطور کلی اقدامات و سیاستهای منفی روس‌ها نسبت به ایران که عمدتاً در چارچوب گسترش طلبی و سلطه جویی بوده است را می‌توان در این موارد خلاصه نمود:

۱- عهد نامه گلستان ۱۸۱۳: در پی جنگهای ایران و روسیه در اوایل قرن نوزدهم و از دست رفتن بسیاری از سرزمینهای ایران بین دو کشور پیمانی منعقد شد که به موجب آن ایران بسیاری از متصرفات خود را در قفقاز از دست داد، از جمله باکو و دربند و گنجه و گرجستان و حتی حق کشتیرانی در دریای مازندران را نیز از دست داد که بنا بر همین تعهد این دریاچه به روسیه تعلق می‌یافت. از همه ننگینتر طبق ماده ۵ عهد نامه روس‌ها عباس میرزا را وارث قانونی تاج و تخت ایران دانسته و قول دادند چنانچه بر سر مسأله جانشینی اختلافی روی دهد او را یاری کنند، در واقع اعمال مشروعیت از سوی یک قدرت استعماری.^(۱۲)

۲- عهد نامه ترکمانچای: این عهدنامه در سال ۱۸۲۸ در روستای ترکمانچای بین دو کشور منعقد شد و به موجب آن ایران علاوه بر سرزمینهای وسیعی که از دست داد، مجبور به پرداخت ۲۰ میلیون روبل به روس‌ها و نیز اعطای امتیازات ننگین بی‌شمار ی از جمله حق کاپیتولاسیون به روس‌ها شد.^(۱۳)

۳- تصرف نواحی مختلف آسیای مرکزی که همواره در حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی قرار داشته و در ورق ورق تاریخ ایران دارای جایگاه مهم و برجسته‌ای بوده است. اشغال نواحی مانند: تاشکند ۱۸۶۵، خیوه ۱۸۷۳، خوقند ۱۸۷۶، مناطق ترکمن نشین ۱۸۸۱، و مرود در سال ۱۸۸۴.

۴- قرار داد ننگین ۱۹۰۷: به موجب این قرار داد روسیه و انگلستان در اقدامی وقیحانه در صدد برآمدند ایران را بین خود تقسیم نمایند. این قرار داد بر نفرت ایرانیان نسبت به روسیه و انگلستان افزود.^(۱۴) به موجب این قرار داد حوزه نفوذ روسیه شامل آذربایجان، خراسان، گرگان،

مازندران، گیلان، اراک، قم، ساوه، یزد، نایین، اصفهان، بروجرد، تهران، قزوین، زنجان، همدان، کرمانشاه، کردستان، خانیقین و قصر شیرین بود. حوزه نفوذ انگلستان نیز این نواحی را در بر می‌گرفت: بیرجند، قاینات، خوزستان، فارس، لرستان، بختیاری، چهارمحال، و بوشهر.^(۱۵)

۵- کمک به محمد علی شاه در سرکوب جنبش مشروطه ۱۹۱۲: مجلس مشروطه توسط لیاخوف روس به توپ بسته شد و محمد علی شاه با کمک جدی روس‌ها اولین جرعه و حرکت آزادی خواهانه را سرکوب نمود. در این راستا روس‌ها در اعدام بسیاری از مشروطه خواهان (مانند مجتهد اعلم آذربایجان ثقه الاسلام و بسیاری دیگر) نقش مستقیم داشتند.^(۱۶) در همین دوران حمله آنها به مرقد امام رضا و کشتن تعداد زیادی از مردم و تخریب برخی از بناهای مذهبی موجب آزردهی مردم ایران شد.^(۱۷)

۶- اشغال ایران در جنگ جهانی اول

۷- قرارداد ۱۹۱۵ روس و انگلیس و توافق در زمینه اعمال نفوذ و تقسیم منافع خود در

ایران

۸- تحریک جریانهای جدایی طلب در ایران در برهه های مختلف: روسیه بین سالهای ۱۹۱۶-۱۹۲۰ از جنبش چپ-گرا-ملی گرا در گیلان حمایت کرده و در سال ۱۹۲۰ ارتش سرخ در جریان اعاده کنترل بر قفقاز، در سواحل دریای خزر در ایران نیرو پیاده کرد و به حمایت از جمهوری سوسیالیستی که بتازگی در گیلان اعلام شده بود برخاست.^(۱۸) پس از جنگ جهانی نیز از حرکتهای جدایی طلبانه در دو استان کردستان و آذربایجان به شدت حمایت نموده و تهدید همیشگی خود را عیان تر جلوه نمودند.

۹- اشغال و نقض آشکار بیطرفی ایران در جنگ جهانی دوم همراه با انگلیس و ایالات

متحده.

۱۰- عدم ترک خاک ایران پس از پایان جنگ جهانی دوم: در پی شکست آلمان و متحدینش از دول متفق و پایان جنگ جهانی دوم، اتحاد شوروی بر خلاف تعهدات خود در زمینه ترک خاک ایران عمل نمود و نه تنها نیروهایش را خارج نکرد بلکه حرکتهای جدایی طلبانه را در ایران تحریک و سعی در کسب امتیازات استعماری بر آمد. شاید اولین مساله بزرگی که شاه

جوان ایران با آن مواجه گردید همین تهدید بزرگ روس‌ها بود که در سالهای بعدی زمامداری اش شدیداً بر سیاستهایش نسبت به روس‌ها تأثیر گذاشت و بگونه‌ای ترس از این تهدید (اتحاد شوروی) که شدیداً احساس می‌شد در گرایش هر چه بیشتر او به غرب تأثیرگذار بود.

۱۱- فشارهای مکرر برای اخذ امتیازات استعماری از ایران: مانند تلاش برای گرفتن امتیاز راه آهن فالکنهاگن در واکنش به امتیاز رویتر ۱۸۷۵، و یا فشار جدی بر ایران پس از جنگ جهانی دوم برای گرفتن امتیاز نفت شمال

۱۲- تاسیس بریگارد قزاق و سالها اعمال نفوذ از طریق آن

۱۳- عدم تحویل ۱۱ تن طلای قابل پرداخت به ایران در زمان دکتر مصدق و در مقابل تحویل آن به کابینه کودتا (زاهدی) که در واقع به نوعی به سقوط دکتر مصدق کمک کرد و از دولت کودتا حمایت نمود

۱۴- تهاجم نظامی به افغانستان و اشغال خاک آن کشور در سال ۱۹۷۸ که به نوعی خاطره توسعه‌طلبی روس‌ها را در نزد ایرانیان زنده کرد.

۱۵- کمکهای نظامی گسترده به طرف جنگ با ایران یعنی عراق: در طول جنگ ایران و عراق اتحاد جماهیر شوروی بدلیل روابط خاصش با عراق از آن کشور حمایت می‌نمود. بویژه با نخستین پیروزی‌های ایران در جبهه‌های جنگ و قرار گرفتن ایران در موضع تهاجمی، کمکهای نظامی مسکو به عراق افزایش یافت. (۱۹)

۱۶- نقض آشکار حقوق تاریخی ایران در دریایچه خزر

در مجموع باید گفت که با توجه به جایگاه برجسته روسیه تزاری و خلف نیرومندتر آن یعنی اتحاد شوروی در نظام بین‌الملل و قدرت چشمگیر آن، ایران همواره نسبت به مرزهای شمالی خود بسیار آسیب‌پذیر و حساس نشان داده و همواره از دریچه نوعی نگاه واهمه آمیز نسبت به مرزهای شمالی اش نگریسته است. سوابق منفی و مرعوب کننده روس‌ها نسبت به ایران در ذهنیت ایرانی حک شده و همواره بر تعاملات ایران با روسیه تأثیرگذار است.

هویت ایرانی خاطره خوبی از روس‌ها ندارد و همواره وقتی که به مرزهای شمالی اش می‌نگرد شاید بیش از هر چیز حس حسرت به گذشته اش و تمدن بزرگ و گسترده اش بنماید و به

سرزمینهای وسیعی که از خاک ایران جدا شده است. بازتاب هویت هر ملتی را می‌توان در نوع تعاملاتش (ستیزشی یا دوستانه) با سایر ملل مشاهده نمود و بدون شک تعاملات ایران و روسیه نیز از این معادله نمی‌تواند خارج باشد مگر اینکه برخی مقدمات و فشارهای محیطی و ساختاری و شرایط زمانه صورت مغایر با آن (پارادوکسیکال) یا موقتی بدهد. وضعیتی که در حال حاضر به نظر در مورد نوع تعاملات ایران و روسیه صادق است یعنی در عین اینکه ادراکات، تصورات و ذهنیت ایرانی نسبت به روسیه مطلوب نمی‌باشد ولی در عمل تحت تأثیر فشارهایی که از سوی نظام بین‌الملل بر ایران وارد می‌شود و با توجه به مشکلاتی که ایران با نیرومندترین بازیگر ملی کنونی عرصه بین‌الملل یعنی ایالات متحده و سیاستها و هنجارهای جهانی او دارد، به نوعی برخی منافع و نگرانی‌های ایران هم عرض برخی منافع و نگرانی‌های روسیه قرار گرفته و ایران را به سوی گسترش تعاملات با آن کشور ترغیب نموده است. پس آیا با این وضعیت نمی‌توان گفت که در صورت تغییر شرایط حاکم بر تعاملات ایران با نظام بین‌الملل و بطور خاص با ایالات متحده و کاسته شدن از فشارهای وارده بر ایران، تغییرات بارزی نیز در الگوی تعاملات ایران و روسیه بوجود آید؟ بدون شک چنین امری بعید نمی‌نماید بویژه با پتانسیلهایی که در فرهنگ سیاسی ایران نسبت به روسیه وجود دارد. (البته چنین امری را در شکل گسترده تر و نمایان تری می‌توان در مورد تعاملات ایران با اعراب نیز صادق دانست).

گفتار سوم: تعاملات ایران و روسیه از ۱۹۹۱ تا کنون

آغاز نزدیکی ایران و روسیه به اواخر دوره گورباچف باز می‌گردد یعنی زمانی که آقای هاشمی رفسنجانی در ژوئن ۱۹۸۹ از مسکو دیدن نمود و چند موافقتنامه مهم بویژه در زمینه نظامی با آن کشور منعقد کرد. در اعلامیه مشترکی، دو کشور بر دیدگاههای هماهنگ و مشترکشان در مورد خلیج فارس و ضرورت خروج ناوگانهای کشورهای بیگانه از منطقه و نیز ضرورت ایجاد دولتی مستقل در افغانستان صحه گذاشتند. (۲۰)

قطع فروش تسلیحاتی غرب به ایران و نیازهای تسلیحاتی گسترده این کشور بویژه در زمینه ناوگان هوایی که در اثر جنگ فرسایشی با عراق صدمات جدی به آن وارد شده بود، ایران را

و اداشت تا به روسیه روی بیاورد و روس‌ها نیز بدلیل منافع اقتصادی چشمگیری که چنین داد و ستدی می‌توانست عایدشان کند و نیز دست یافتن به نفوذ استراتژیک در ایران به توسعه روابط با این کشور تمایل نشان دادند. شرایط حاکم بر روابط ایران با غرب و بویژه ایالات متحده چنین نزدیکی را ممکنتر می‌ساخت. روابط دو کشور پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همچنان با نوساناتی مقطعی روند رو به رشد نشان داد. ایران در تمام سالهای پس از استقلال روسیه تلاش نموده است که جایگاه ویژه‌ای را در روابط خارجی اش به این کشور بدهد و سیاستهای خود در آسیای مرکزی و قفقاز را نیز در این راستا با روسیه هماهنگ نماید و حتی بر خلاف آرمانهای انقلابی اش در مورد چین و برخی سیاستهای روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز تا حدود زیادی سکوت اختیار کند و تلاش نماید تا موجب ناراحتی آن کشور نگردد. همان اندازه که ایران خود را مجبور به نزدیکی با روسیه دیده است روسیه نیز به گونه‌ای تأمین برخی منافع و اهداف منطقه‌ای اش را در نزدیکی با ایران دنبال نموده است. این امر موجب برقراری نوعی روابط استراتژیک بین دو کشور شده است.

رابرت فریدمن این روابط استراتژیک را چنین شرح می‌دهد: تا تابستان ۱۹۹۵ ایران و روسیه وارد مرحله‌ای از روابط شدند که سفیر روسیه آنرا آغاز روابط استراتژیک می‌نامد. با شدت گرفتن نخستین جنگ چین و فراخوانی جدید واشنگتن برای گسترش ناتو، ناسیونالیستهای روسی روابط نزدیک با ایران را بعنوان یک عامل متوازن کننده در نظر گرفتند. همانگونه که یک مقاله در روزنامه سیوودنیا در می ۱۹۹۵ خاطر نشان می‌کند: همکاری با ایران بسیار فراتر از مساله صرف پول و سفارشات برای صنعت اتمی روسیه است. امروزه یک تهران متخاصم می‌تواند مسبب پیامدهای بسیار ناخوشایندی برای روسیه در قفقاز و تاجیکستان شود در صورتی که از شورشیان مسلمان حمایت مالی، نظامی و انسانی نماید. از سوی دیگر، یک ایران دوست می‌تواند تبدیل به یک متحد استراتژیک در آینده شود.^(۲۱) در واقع شرایط و فشارهای وارده بر روسیه نیز نزدیکی با ایران را ضرورت بخشیده است و منجر به گسترش همکاری‌ها شده است. محقق فوق همچنین عامل مهم دیگری را نیز که موجب توجه جدی روسیه به ایران شده است را گسترش ناتو به شرق می‌داند: گسترش ناتو به شرق روسیه را بر این وامی دارد که با شتاب

به دنبال برخی متحدین استراتژیک باشد. در این وضعیت، رژیم ضد غربی و ضد آمریکایی ایران می‌تواند شریکی بسیار مهم و طبیعی باشد. ایران متحد روسیه و مسلح به تسلیحات روسی می‌تواند در تقابل احتمالی این کشور با ایالات متحده یاری رسان روسیه باشد. (۲۲)

ادموند هرزیگ نیز از منظر نیازها و علایق ایران، این نزدیکی بین دو کشور را چنین توضیح می‌دهد: «ایران از چند جهت خواهان برقراری رابطه با روسیه است. روسیه یکی از شرکاء تجاری عمده محسوب شده، و در زمینه تسلیحات، تکنولوژی، و نیروی هسته‌ای علاقمند به همکاری با ایران است. ایران و روسیه نگرانی‌های مشترکی در زمینه ملی‌گرایی وجدایی طلبی در حوزه جنوبی شوروی سابق دارند. روسیه محافظ مرزهای کشورهای مشترک‌المنافع (به استثنای آذربایجان) است و ایران نیز خواهان حفظ وضعیت موجود مرزها است. به علاوه اگر چه روسیه دیگر دومین ابرقدرت جهان محسوب نمی‌شود، اما نسبت به عدم پذیرش نیروهای خارجی در ساختارهای امنیتی منطقه متعهد است.» (۲۳) بر این اساس است که روسیه و ایران هر یک به نوعی به یکدیگر نیاز پیدا کرده و در پی رفع برخی تنگناها و نیازها در جهت گسترش روابط گام برداشته‌اند. دیدار آقای خاتمی از مسکو در مارس ۲۰۰۱ (بعنوان اولین رئیس‌جمهور ایران که از روسیه دیدن می‌کرد) تحکیم‌کننده روابط بین دو کشور بود و طی این سفر توافقنامه‌های مهمی در زمینه‌های مختلف از جمله همکاری اقتصادی بین خاتمی و پوتین منعقد شد و دو طرف بر دستیابی به توافق مشترک در زمینه دریای خزر تأکید کردند.

در مجموع تحت همان شرایطی که قبلاً بیان شد دو کشور به مرور زمان به گسترش همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف سوق داده شده‌اند. در ادامه بطور مجزا و بر اساس درجه اهمیت به سه مورد از حوزه‌های تعاملات دو کشور در طول بیش از یک دهه اخیر می‌پردازیم:

الف) روابط ویژه در امور نظامی - استراتژیک

یکی از حوزه‌های بسیار مهم و چشمگیر همکاری ایران و روسیه در دوره جدید که البته آغاز آن به سالهای پایانی دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد، امور نظامی و تسلیحاتی است. البته در این زمینه ایران خریدار و سفارش‌دهنده و روسیه فروشنده و تأمین‌کننده نیازهای تسلیحاتی ایران

بوده است. البته در دوره حکومت سابق ایران (در دهه ۱۹۷۰) نیز برخی خریدهای تسلیحاتی از اتحاد شوروی صورت گرفت که این امر در راستای کوشش محمد رضا پهلوی در جهت رفع خطری بود که به لحاظ وابستگی بیش از حد به سلاحهای غربی حس می‌کرد و در نظر داشت تا تعادل ژئواستراتژیک در منطقه برقرار نماید. (آناتولی ایوگو، همکا، ص ۶۳-۶۴) اگر در دوره پهلوی ایران به اختیار خود و بر اساس تلاش برای تنوع بخشی به منابع تسلیحاتی خود و کاهش وابستگی به سلاحهای امریکایی، بخش قلبی از بودجه خرید تسلیحاتی خود را متوجه قدرت شمالی کرد ولی در مقابل در دوره جمهوری اسلامی با کاهش انبارهای تسلیحاتی و آسیب وارد آمدن جدی به نیروهای سه‌گانه در پی جنگ با عراق، ایران مجبور به روی آوردن به تسلیحات روسی گردید (زیرا دیگر بر خلاف گذشته نمی‌توانست به آسانی به تسلیحات غربی دست یابد)، گرایشی که برای روسیه نیز منافع چشمگیری در پی داشت. بر اساس برخی آمارها، بین سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۵ ایران معادل ۵ میلیارد دلار از روسیه تسلیحات نظامی وارد کرده است. (۲۴) در بهمن ۱۳۷۴ (فوریه ۱۹۹۶) خبرگزاری اینتر فاکس از میزان مبادلات نظامی دو کشور که بالغ بر فروش ۴۳۷ میلیون دلار تجهیزات و خدمات نظامی به ایران بود، خبر داد. (۲۵) در اواخر دسامبر ۲۰۰۰ در پی دیدار وزیر دفاع روسیه سرگی ایوانوف از ایران، اعلام گردید که روسیه و ایران با یک برنامه همکاری‌های بلند مدت سیاسی و نظامی توافق بعمل آورده‌اند. در سال ۱۹۹۸ ایران اظهار داشت که مایل به خرید هشت موشک زمین به هوای S-300PMU1، هزار موشک ایگلا IglA، بیست و پنج هلی کوپتر Mi-17-1B و هشت هواپیمای سوخوی ۲۵ روسی است، این فهرست احتمالاً هنوز پایر جا است. در اکتبر ۲۰۰۱، وزیر دفاع ایران علی شمخانی از مسکو دیدار نمود و یک قرارداد ۳۳ میلیون دلاری پنج ساله را به امضاء رساند. این امر می‌تواند ایران را به سومین خریدار بزرگ تسلیحاتی (بعد از چین و هند) از روسیه تبدیل نماید، امری که بر خلاف خواسته‌های ایالات متحده است. (۲۶) شاید روسیه با آگاهی به ناراحتی و واکنش منفی امریکا، بر گسترش همکاری‌های نظامی با ایران اصرار می‌ورزد تا از این طریق در چانه زنی با امریکا بتواند از این امر در جهت بدست آوردن برخی امتیازات (عمدتاً اقتصادی) استفاده نماید.

یکی از حوزه‌های همکاری ایران و روسیه، ساخت نیروگاه اتمی در ایران است که شدیداً

نگاه‌های بین‌المللی را به خود واداشته است. قرارداد همکاری ایران و روسیه در زمینه ساخت نیروگاه اتمی اگرچه برای روسیه بسیار سودآور بوده است ولی از برخی جهات بویژه تبعات سیاسی و بین‌المللی اش برای ایران بسیار پر هزینه بوده است. مبلغ توافق ایران و روسیه برای ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر (۲۵ آگوست ۱۹۹۲) که شدیداً امریکا را به خشم آورده ۸۰۰ میلیون دلار بوده است.^(۲۷) شرکت اتموس تروس اکسپرت روسیه از سال ۱۹۹۸ مسولیت ساخت رآکتور اتمی بوشهر را بر عهده گرفته است و قرار بود که تا سال ۲۰۰۳ این پروژه تکمیل شود.^(۲۸) ایران و روسیه برای ساخت سایر نیروگاهها نیز مذاکراتی داشته و به توافق رسیده‌اند. طی نشست پوتین و خاتمی در مسکو در سال ۲۰۰۱، خاتمی طرحهایی را برای سفارش دادن یک رآکتور دیگر پس از تکمیل رآکتور اول تایید نمود. البته تاخیر در ساخت نیروگاه اول موجب بروز برخی اصطکاکها بین دو کشور شده است. مبلغ قرار داد دوم می‌تواند بالغ بر یک میلیارد دلار باشد.^(۲۹) به هر حال، تحت تأثیر مسائل و مشکلات و شرایط خاص، ایران و روسیه در مسیر همکاری‌های نظامی/هسته‌ای گام برداشته‌اند، همکاری‌هایی که شاید روسیه از طریق آن در پی ۱- کسب منافع اقتصادی؛ ۲- از آن مهمتر کسب نفوذ در ایران و ۳- در دست داشتن برگ ایران در تعامل و چانه زنی با غرب و بدست آوردن برخی امتیازات در این زمینه؛ و شاید ۴- ایجاد نوعی بالانس منطقه‌ای بر اساس خواسته‌های خود بدینگونه که با جلب نظر ایران آرایش نیروها را طوری در منطقه بچیند که خود همچنان فاعل و بازیگر اصلی در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز باشد (استفاده از ایران در جهت خنثی کردن بهتر سایر نیروها)

ب) تعاملات دو کشور در حوزه خزر، آسیای مرکزی و قفقاز

منافع و علایق ایران و روسیه در آسیای مرکزی، قفقاز و دریای خزر در برخی از جنبه‌ها سازگار و موازی است ولی از برخی جهات نیز متعارض و ناسازگار است.

لئونید اسکلیاروف در حدود یک دهه قبل در مورد روابط ایران و روسیه در آسیای مرکزی بیان می‌کند: «ایران و روسیه در آسیای مرکزی بیشتر رقیب هستند تا شریک. روسیه تمایل دارد تا کشورهای آسیای مرکزی به صورتی واحد در سیستم اقتصادی کشورهای مشترک المنافع

حفظ شوند و ایران هم سعی می‌نماید تا هرچه بیشتر این کشورها را به همکاری‌های منطقه‌ای در چارچوب سازمان اکو و جریان کالا و مواد اولیه این کشورها از شمال به سمت جنوب تشویق کند که در نهایت موجب افزایش و گسترش همکاری‌های حمل و نقل، بانکی - مالی و ارتباطات زیر بنایی در چارچوب اکو و در میان مناطق آسیای مرکزی و غرب می‌گردد.^(۳۰) البته به مرور زمان با توجه به مسائل و مشکلات خاص ایران و تلاش این کشور برای جلب دوستی بیشتر روسیه، ایران تلاش نموده است که در مجموع در امور منطقه‌ای سیاستها و خط مشی‌های خود را با روسیه هماهنگ‌تر نماید. تأمین صلح و ثبات منطقه‌ای از جمله حوزه‌هایی بوده است که دو کشور را به همکاری با یکدیگر واداشته است. تضمین صلح و امنیت در بخشهای جنوبی روسیه و مناطق شمالی ایران، به طور طبیعی همکاری هر دو ملت را به عنوان وزنه‌های عمده منطقه و همچنین خلق نوعی نگاه ایرانی - روسی نسبت به مسائل این بخش از جهان، طلب می‌کند.^(۳۱) ایران. هر نوع بی‌ثباتی در منطقه را، تهدیدی جدی نسبت به منافع ملی خویش تلقی می‌کند و همواره در صدد مقابله و تحدید عوامل تشنج و بی‌ثباتی برآمده است. این اقدامات شامل میانجیگری فعالانه در منازعات و حمایت ضمنی از دول موجود و نیز نقش روسیه در ساختارهای امنیتی کشورهای حوزه جنوبی شوروی سابق، بوده است.^(۳۲) در این راستا، ایران در حل منازعه‌های منطقه‌ای با روسیه همراه بوده و در فیصله یافتن جنگ داخلی در تاجیکستان نقش مهمی ایفا کرده است. در کل دو کشور در زمینه ضرورت برقراری و حفظ آرامش و ثبات در منطقه اشتراک نظر داشته و در این راستا با یکدیگر همکاری نیز می‌کنند.

یکی از نقاط اشتراک نظر این دو کشور مربوط به نگرانی مشترک هر دو در زمینه افزایش نفوذ، منافع و حضور کشورهای غربی بویژه ایالات متحده در منطقه است. ایران و روسیه در مورد افزایش فعالیت‌های شرکت‌های آمریکایی در منطقه و روابط نظامی بین کشورهای تازه استقلال یافته با واشنگتن ابراز نگرانی و ناخرسندی می‌کنند و می‌کوشند تا از مداخله کشورهای خارجی و بخصوص آمریکا در این منطقه بکاهند. البته از جهتی نیز نوعی اختلاف منافع بین دو کشور وجود دارد. ایران به هیچ وجه موافق این نیست که روسیه در منطقه به هر آنچه که می‌خواهد برسد؛ چرا که این امر ممکن است به امنیت و منافع ملی ایران خدشه وارد کند. در فوریه ۲۰۰۰،

آقای خزری در دیدار با مقامات روسی به این مطلب اشاره نمود که بعضی از کشورهای همجوار دریای خزر می‌خواهند با کشورهای غربی رابطه نزدیکی داشته باشند. وی بطور ضمنی از این موضوع ابراز نگرانی کرد که روسیه در این منطقه قصد دارد بر اوضاع مسلط شود و به کشورهای منطقه اجازه ندهد هر طور که می‌خواهند، روابط خارجی خود را تنظیم نمایند؛ ایران از این بابت ناخرسند بوده و می‌خواهد ایران و کشورهای یاد شده با توجه به اصول مورد نظرشان سیاست خارجی خود را تنظیم و به مرحله اجرا بگذارند. (۳۳)

می‌توان گفت تحت تأثیر اقدامات و سیاستهای روس‌ها در گذشته، ایران نمی‌خواهد و اصلاً نمی‌تواند بیش از حد به این کشور اعتماد نماید و همواره نوعی سوءظن در میان ایرانیان نسبت به روسیه وجود دارد، و لذا با توجه به این امر ایران می‌داند که نمی‌تواند خیلی زیاد به انجام مطلوب تعهدات از سوی روس‌ها امیدوار باشد. تاخیر در تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر و عدم انجام برخی تعهدات در این باره و وجود تردید همیشگی در میان ایرانیان نسبت به اینکه آیا روسیه به همکاری خود در این باره ادامه خواهد داد و نیز تغییر مواضع دائمی روس‌ها بویژه در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر، بر این امر صحنه می‌گذارد. رژیم حقوقی دریای خزر از جمله مواردی بوده است که بوضوح نشان داد که روس‌ها به راحتی می‌توانند تغییر موضع داده و تعهدات خود را زیر پا بگذارند. اگر چه روسیه در ابتدا خود را موافق با مواضع ایران نشان می‌داد ولی بتدریج بر خلاف خواسته‌های ایران عمل نمود و به مواضع سایر کشورهای حوزه خزر مانند آذربایجان گرایش پیدا کرد. اقدامات و مواضع روسیه چنان بوده که سرانجام ایران را واداشته است که بر خلاف گذشته که بر قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۱ بین اتحاد شوروی و ایران (اعمال حاکمیت مشترک) تأکید می‌نمود حال به ۲۰ درصد حق خود در خزر نیز بسنده کند. ولی جالب است که روس‌ها حتی در پی کاهش این حق اندک نیز هستند. در حال حاضر اگر چه از نظر مقامات ایرانی، هر کشور باید از ۲۰ درصد بستر آبهای دریای خزر استفاده کند، اما روسیه به همراه قزاقستان و آذربایجان معتقدند که بر اساس خط ساحلی هر کشور، باید آبهای بستر دریای خزر تقسیم شود. اگر طرح روسیه پذیرفته شود، ایران می‌تواند حد اکثر از ۱۳ درصد آبهای کف دریاچه خزر استفاده کند و کشتی‌های روسی قادر خواهند بود که از لحاظ راهبردی و نظامی به موقعیت مناسب تری در

مقایسه با دیگر کشورها دست یابند.^(۳۴) اگر چه روسیه بطور ظاهری نشان می‌دهد که در پی راضی نمودن ایران و ایجاد یک رژیم حقوقی عادلانه و مورد حمایت همه کشورهای منطقه است ولی در عمل ایران را دور زده و با دستیابی به توافقات دو جانبه با کشورهای حوزه خزر، ایران را در موضع ضعف و انفعال قرار می‌دهد.

ج) همکاری اقتصادی

در دوره پس از اتحاد شوروی بتدریج روابط اقتصادی و تجاری ایران و روسیه گسترش یافته است. داد و ستدهای تجاری مابین دو کشور چنان رشد داشته است که در مراسم امضای یک پروتکل در دسامبر ۲۰۰۴ در پی نشست دائمی کمیسیون بین حکومتی ایران و روسیه در باره همکاری اقتصادی و تجاری، اعلام گردید که تجارت مابین دو کشور ممکن است به دو میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ برسد.^(۳۵) البته این امر چنان دور از ذهن نبود زیرا از اوایل دهه ۱۹۹۰ به این سو میزان تجارت کالا بین ایران و روسیه به مرور زمان افزایش پیدا کرده و سه برابر شده است. بر اساس آمار، تجارت بین ایران و روسیه در سال ۲۰۰۰ به ۹۰۰ میلیون دلار رسید که ۳۰۰ میلیون دلار بیش از سال قبل از آن بود و روسیه از این میزان تجارت به مراتب بیشتر از ایران سود برده است.^(۳۶) از جمله حوزه‌های مهم همکاری اقتصادی و تجاری مابین دو کشور (فرا تر از داد و ستد های نظامی) می‌توان به این موارد اشاره کرد: خرید هواپیماهای توپولوف توسط ایران، ساخت و پرتاب ماهواره زهره، اکتشاف، استخراج و انتقال نفت و گاز به پاکستان، هندوستان و اروپا، حمل و نقل هوایی، زمینی و دریایی کالاها و نیز کشتیرانی در دریایچه خزر و...^(۳۷)

روسیه توانسته از مشکلات ایران نهایت استفاده را نموده و به تأمین کننده بسیاری از نیازهای فنی - تکنولوژیک ایران تبدیل گردد. در جایی که ایران نمی‌تواند به آسانی به تکنولوژی غربی دسترسی یابد، بالا جبار روسیه و یا کشورهای دیگری همچون چین را جایگزین مناسبی یافته است. بنابراین در صورت گشایش در روابط ایران با کشورهای اروپایی و فراتر از آن ایالات متحده، روسیه بسیاری از منافع اقتصادی کنونی اش را از دست خواهد داد. در جایی که ایران بتواند فن و تکنولوژی بهینه تر و کارآمدتر را از غرب تأمین کند، دیگر چه نیازی بر این خواهد بود

که خود را وابسته به ساخت های روسی کند. این واقعیتی است که روسیه بر آن اشراف داشته و تأمین مطلوب منافع خود را در تیره و کساد بودن روابط ایران با غرب می‌جوید. یک ایران متخاصم با غرب بالاچار به روسیه نزدیکتر شده که این یعنی منافع بیشتر برای روسیه و از سوی دیگر روسیه همواره می‌تواند از برقراری روابط خاص با ایران بعنوان یک ابزار چانه زنی در برابر امریکا استفاده کند.

نتیجه‌گیری

ایران و روسیه در یک دهه اخیر همکاری‌های خود را در زمینه‌های مختلف بویژه نظامی و استراتژیک گسترش داده‌اند و در واقع، نوعی همکاری‌های متناقض (پارادوکسیکال) شکل و رشد پیدا کرده است، متناقض بدین لحاظ که از یک سو ذهن و ادراک ایرانی بگونه‌ای روس‌گریز است و دید مثبتی به آن نداشته و دوست ندارد به آن کشور اعتماد کند ولی از سوی دیگر تحت برخی فشارها و مقدمات دولتمردان ایرانی مجبور به نزدیکی با روسیه و گسترش همکاری‌ها شده‌اند.

ایجاد یک اتحاد استراتژیک، عمیق و بلند مدت میان دو ملت، در درجه اول نیازمند وجود اعتماد قوی به یکدیگر است که این امر نیز در صورتی ممکن است که ادراکات و ذهنیت طرفین به یکدیگر کاملاً مثبت بوده و نوعی سنخیت فرهنگی وجود داشته باشد، موضوعی که در تعاملات ایرانی-روسی مشاهده نمی‌شود. اگرچه تحت برخی مقدمات و فشارهای سیستمی و محیطی ممکن است بین دو یا چند کشور برخی همکاری‌ها گسترش یابد و در سطح پیشرفته نوعی اتحاد ایجاد گردد ولی چنین اتحادی همواره شکننده و سست خواهد بود زیرا زیربنای فکری و فرهنگی تعارضی همواره می‌تواند نیروهای شکاف و واگرایی را فعال نماید و موجب جلوه نمودن هویت اصلی و حقیقی کنشها گردد. در مورد ایران و روسیه نیز می‌توان گفت که اگرچه در دوره پس از شوروی همکاری‌ها در برخی حوزه‌ها رشد پیدا کرده است ولی همواره و در تمام مراحل تعاملات، عنصر ذهنیت و ادراکات ایرانی مانع از اعتماد کامل ایران به روسیه می‌گردد. برخی اقدامات روس‌ها در سالیان اخیر بویژه در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر که برخلاف

منافع ایران بوده است تا بید کننده صحت عدم قطعیت و بی اعتمادی ایرانیان نسبت به روس‌ها بوده است. آیا می‌توان به کشوری اعتماد نمود که با تغییر مواضع دائمی‌اش و انجام برخی اقدامات بر خلاف سیاستهای اعلامی‌اش (به توافق رسیدن با سایر کشورهای حوزه خزر)، ایران را در مساله رژیم حقوقی خزر به ضعف کشانده بگونه‌ای که به ۲۰ درصد سهم خود راضی گردد؟ جالب اینکه در حال حاضر روسیه به این حداقل حق و خواسته ایران نیز احترام نگذاشته و از طرحی حمایت می‌کند که در آن ایران تنها به ۱۲ یا ۱۳ درصد سهم از خزر راضی گردد. تاریخ، صحنه تکرار وقایع و رفتارها است و ملتی موفق و کامروا است که از گذشته خود به خوبی درس گیرد. اگر روسیه خواهان حفظ و گسترش همکاری‌های خود با ایران است باید به حقوق تاریخی و منافع مردم ایران احترام گذاشته و سعی در بهبود ذهنیت و نگرش ایرانیان نسبت به خود نماید.

یادداشت‌ها

۱. محمود سریع القلم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم اشلاف، (تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹)، ص ۵۴.
۲. کی. جی. هالستی، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶)، ص ۱۸۰.
۳. احمد نقیب زاده، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱)، ص ۱۱.
۴. ادموند هرزیگ، ایران و حوزه جنوبی شوروی سابق، ترجمه کاملیا احتشامی اکبری، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵)، ص ۱۱.
۵. سید رسول موسوی، روس‌ها در چشم ایرانیان: آسیب‌شناسی روابط ایران و روسیه، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۲، (زمستان ۱۳۷۴)، ص ۵۸.
۶. گراهام فولر، قله عالم اژتوپتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، (تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷)، ص ۱۶۰.
۷. همان، ص ۱۵۸.
۸. ادموند هرزیگ، پیشین، ص ۱۰.
۹. در مورد روند گسترش طلبی روس‌ها و جنگهای آنها با ایران رجوع شود به: بهرام امیراحمدیان، جنگهای ایران و روسیه و جدایی قفقاز، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۶، (تابستان ۱۳۸۳).

۱۰. گراهام فولر، پیشین، ص ۱۶۱.
۱۱. سید رسول موسوی، پیشین، ص ۵۲.
۱۲. فیروز کاظم زاده، روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴، پژوهشی در باره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری، چاپ دوم، (تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱) ص ۴.
۱۳. همان.
۱۴. قرارداد ۱۹۰۷ شدیداً موجب افزایش نفرت ایرانیان نسبت به روسیه و انگلیس شد و به عنوان یک اقدام موهن و ننگین این دو دولت استعمارگر در ذهنیت تاریخی ایرانی حک شد. ملک الشعراء بهار در واکنش به این قرارداد و نکوهش آن قصیده‌ای با عنوان «پیام به وزیر خارجه انگلستان» سرود که منعکس‌کننده خشم ایرانیان است. رجوع شود به دیوان اشعار ملک الشعراء بهار، جلد اول، ص ۲۰۵-۲۰۷.
۱۵. الهه کولائی، فدراسیون روسیه، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۸) ص ۲۸۸.
۱۶. فیروز کاظم زاده، پیشین، ص ۶۴۰.
۱۷. خشم و نفرت ایرانیان نسبت به اقدام روسیه در حمایت از محمد علی شاه در سرکوب جنبش مشروطه و نیز بورش نیروهای روس به حرم امام رضا(ع) را می‌توان در شعر «توپ روس» ملک الشعراء بهار به خوبی مشاهده نمود:
- | | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| چشم دوزید و ببیند که این پاک حریم | قتلگاهی است که خون موج زند سرتاسر |
| پس بیا لختی و بیداد عدو را بشنو | پس بیا زود زیسارتنگه مسا را بنگر |
| بنگر که باز این خیره تمدن خواهان | کرده آن کار که وحشی ننماید باور |
| هشتصد مرد و زن از بومی و زوار و غریب | داده جان از یورش لشکر روس کافر |
| مفسد ار فتنه کند، کاخ رضا را چه گناه | مار گر حيله کند، باغ جنان را چه خطر |
| بقعه و کاخ اگر بوده مقام اشرا | ز چه گنبد را کردید خراب و ابتر |
| بقعه و کاخ رضا را چه غارت کردید | ای همه راهزن و بد کنش و غارتگر |
| نه به گنبد خورد این آتش توپ و بیداد | بلکه بر قلب علی خورد و دل پیغمبر |
- ملک الشعراء بهار، پیشین، ص ۲۴۴-۲۵۰.
۱۸. گراهام فولر، پیشین، ص ۱۷۰.
۱۹. الهه کولائی، پیشین، ص ۲۹۶.
۲۰. منوچهر پایور، «روند جدید روابط ایران و روسیه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۴، (زمستان ۱۳۸۲)، ص ۷.

21. Robert O. Freedman, "Russian - Iranian Relations in the 1990s", *Middle East Review of International Affairs (MERIA)*, Volume 4, Number 2, (June 2000).

<http://216.239.57.104/search?q=cache:BjhfZuuB6PMJ:radiobergen.org/russia/russiairanrelation.s.ht...>

22. *Ibid.*

۲۳. ادموند هرزیگ، پیشین، ص ۲۰.

۲۴. منوچهر پایور، پیشین، ص ۱۲.

۲۵. الهه کولائی، پیشین، ص ۳۰۳.

26. Mark A Smith, "The Russo - Iranian Relationship", *Conflict Studies Research Centre*, (1 August 2002)

<http://www.da.mod.uk/CSRC/documents/Russian/OB93>

27. "Anger at Russia - Iran nuclear ties",

<http://cnn.worldnews.clickability.com/pt/cpt?action=cpt&title-CNN.com+-+Anger+at+Russ...>

۲۸. منوچهر پایور، پیشین، ص ۱۲

29. Mark A Smith, *op.cit.*

۳۰. لئونید اسکلیاروف، «روابط استراتژیک ایران و روسیه»، ترجمه بهرام تهرانی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۲، (زمستان ۱۳۷۴)، ص ۴۸.

۳۱. مهرداد محسنین، «افقهای همکاری ایران و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۲، (زمستان ۱۳۷۴)، ص ۱۰۷.

۳۲. ادموند هرزیگ، پیشین، ص ۷۸.

۳۳. منوچهر پایور، پیشین، صص ۱۲-۱۵.

۳۴. همان، ص ۱۷.

35. "Iran - Russia trade may rise to \$ 2 b", *Persian Journal*, (DEc 18, 2004),

<http://www.iranian.ws/iran news/publish/article 5002.shtml>

۳۶. منوچهر پایور، پیشین، صص ۱۰-۱۱.

37. "Iran / Russia economic cooperation committee session begins", *NETIRAN.COM*,

<http://www.netrian.com/php/pnwy.php?nwid=2368>